

## تفاوت خودشناسی در اسلام با خودشناسی در مکاتب غربی

### رابطه بین خودشناسی و انسان‌شناسی در کجاست

خودشناسی از اساسی‌ترین مسائل زندگی انسان است و در طول تاریخ بسیار از آن سخن گفته‌اند، تا جایی که می‌توان خودشناسی را پرتکرارترین و کلیدی‌ترین توصیه‌ای دانست که لایه‌لایه سخنان اغلب اندیشمندان وجود دارد.

طیف متفکران و مکاتبی که انسان را به خودشناسی دعوت می‌کنند، منحصر به مکتب خاصی نیست و این موضوع هم در مکاتب توحیدی مانند اسلام و هم در مکاتب غیرتوحیدی مانند بودیسم و هندوئیسم مورد توجه است. تنها تفاوتی که وجود دارد، تعریفی است که هر مکتب از «خود» ارائه می‌دهد و نتیجه‌ای که در نهایت از این تعریف می‌گیرد.

از سوی دیگر انسان‌شناسی در اصطلاح رایج امروزی دانشی است که به بررسی انسان، بعد یا ابعادی از وجود او یا گروه و قشر خاصی از انسان‌ها می‌پردازد و از آن‌جا که تعریف انسان در فلسفه غرب و مکاتب مادی با تعریف انسان در مکتب اسلام تفاوت دارد، در نتیجه خودشناسی توصیه شده در مکاتب غربی با خودشناسی توصیه شده در اسلام متفاوت است.

در ادامه به ذکر این تفاوت‌ها می‌پردازیم و توضیح می‌دهیم که آیا در فلسفه اسلامی بین خودشناسی و انسان‌شناسی تفاوتی وجود دارد یا این دو مفهوم یکی هستند.

### خودشناسی در مکاتب غربی

اتفاق نظر اندیشمندان مکاتب مختلف بر سر اهمیت و ضرورت خودشناسی نشان می‌دهد که نوع بشر به وجود حقیقتی به نام «من» یا «خود» پی برده است. اما بر سر این که این خود کیست و کدام بخش از وجود انسان را تشکیل می‌دهد، اختلاف عقیده وجود دارد.

وقتی می‌گوییم خودت را بشناس دو سؤال مهم ایجاد می‌شود:

- این خود کیست؟
- با چه روشی شناخته می‌شود؟

پاسخ سؤال دوم وابسته به پاسخ سؤال اول است. اگر طبق نظر فلاسفه غرب و مکاتب مادی فرض را بر این بگذاریم که انسان موجودی تک‌ساحتی بوده و چیزی غیر از جسم نیست، آن وقت «خود» معادل جسم در نظر گرفته می‌شود و منظور از خودشناسی، شناخت مقوله‌های وابسته به جسم از فیزیولوژی بدن و ژنتیک گرفته تا مسائلی مانند هیجانات، یادگیری، هوش، علائق، استعدادها، باورهای شخصی، ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری و... خواهد بود. (البته لازم به ذکر است که بسیاری از این مقوله‌ها تنها به ساحت جسم مربوط نیستند، بلکه مرتبط با ساحتی غیرمادی به نام نفس‌اند؛ اما از آنجایی که مکاتب مادی‌گرایانه وجود چنین ساحتی را انکار می‌کنند همه آن‌ها را به جسم نسبت داده‌اند.)

مطالعه اکثر پارامترهای مذکور، در حوزه دانشی است که در اصطلاح «روان‌شناسی» خوانده می‌شود؛ در نتیجه معنای خودشناسی بین عموم مردم به روان‌شناسی تقلیل پیدا کرده و آن‌چه به عنوان خودشناسی تبلیغ می‌شود همان مفاهیم مطرح شده در روان‌شناسی است.

از آنجا که مکاتب غربی همه‌چیز را منحصر به عالم ماده می‌دانند، هدف غایی خودشناسی در علوم غربی نیز تنها در کسب منافع مادی خلاصه می‌شود. در واقع شخص با کشف و بهره‌برداری از استعدادها و توانایی‌های فردی تلاش می‌کند، دنیای بهتر و راحت‌تری برای خود رقم بزند و لذت بیشتری از زندگی ببرد. درحالی‌که در خودشناسی از نگاه اسلام چنین چیزی هدف نهایی نبوده و لذت‌گرایی هم به آن شکلی که غربی‌ها دنبال می‌کنند مد نظر نیست.

پس منظور از «خود» در تعالیم اسلامی چیست؟ و خودشناسی اسلامی چه هدفی را دنبال می‌کند؟

## خودشناسی در مکتب اسلام

در فلسفه اسلام مفهوم «روان» با آن‌چه در غرب مصطلح است به کلی تفاوت دارد. در روان‌شناسی اسلامی واژگانی نظیر روح، قلب، نفس، روان و... مترادف هم به کار می‌روند و منظور از آن‌ها گوهری مجرد و غیرمادی است که خداوند در انسان به ودیعه گذاشته و حیات جسم به واسطه وجود آن ممکن می‌شود.

اسلام انسان را موجودی مرکب از یک بُعد مادی و یک بعد غیرمادی می‌داند که «خود حقیقی» او را بعد غیرمادی‌اش تشکیل می‌دهد. بنابراین وقتی در قرآن و آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) صحبت از خودشناسی می‌شود، منظور شناختن آن بعد غیرمادی یا همان «خود حقیقی» است. ما تنها به واسطه برخورداری از این بُعد انسان و اشرف مخلوقات خطاب می‌شویم، وگرنه در سایر ابعاد با بقیه موجودات مشترک هستیم. وجود بعد انسانی در وجود انسان چیزی است که فلسفه غرب نمی‌خواهد بپذیرد و به همین جهت انسان را در حد یک حیوان پیچیده و شگفت‌انگیز پایین می‌آورد.

هدف نهایی خودشناسی در اسلام بسیار فراتر از آن است که در موفقیت‌های دنیوی خلاصه شود. کسی که با خود حقیقی‌اش انس گرفته؛ فقیر باشد یا ثروت‌مند، سالم باشد یا بیمار، از طبقات بالای اجتماعی باشد یا از عوام، کارفرما باشد یا کارگر، در هر صورت موفق، شاد و آرام است و این شادی و آرامش با مفهومی که لذت‌گرایی در فرهنگ غرب تبلیغ می‌کند، زمین تا آسمان متفاوت است.

درباره این که ابعاد وجودی ما کدام‌اند؟ خود حقیقی مربوط به کدام‌یک از آن‌هاست؟ ما در کدام ابعاد با سایر موجودات مشترک هستیم؟ کمال حقیقی انسان در چیست؟ و... در مقالات مجزا به تفصیل سخن گفته‌ایم، اما پیش از آن لازم است برگردیم به سؤالی که در مقدمه مطرح کردیم و هدف اصلی ما را از این بحث تشکیل می‌دهد:

آیا در فرهنگ اسلام بین خودشناسی و انسان‌شناسی تفاوتی وجود دارد یا این دو مفهوم یکی هستند؟

همان طور که گفتیم بعد انسانی وجود ما را خود حقیقی مان تشکیل می دهد، بنابراین در تعالیم اسلامی انسان شناسی معادل خودشناسی است. در بیانی دقیق تر؛ یادگیری معارف انسان شناسی می تواند همه افراد بشر را به سطحی عمومی از خودشناسی برساند که در این سطح از یادگیری همه انسان ها باهم برابرند.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer